

نمی‌زنم. بروید بیرون توزیع کنید. انتهایش این است که بروند شکایت کنند، من غرامتش را می‌دهم. این بهتر از این است که جمهوری اسلامی متهم بشود به اباحه‌گری. من مخالف اباحه‌گری هستم. من به رئیس سازمان سینمایی هم گفتم که راضی نیستم شرعاً ریالی از پول جمهوری اسلامی بدهید به فیلم یا محصولی که خلاف آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. من کاری ندارم در بیرون چه چیزی تولید می‌شود، من آنجا نظارت حداقلی دارم. اما اگر قرار است محصولی را من پولش را بدهم، به محصولی پول می‌دهم که کاملاً مطمئن باشم برای تقویت اهداف انقلاب است.

به هر حال جریان هنری و روشنفکری را باید به نحوی راضی نگه داشت و با آنها تعامل کرد. شما به هر حال باید با این جامعه هنری کار کنید.

من آن ساحت ارتباطات شخصی و فردی را با جریان هنری کاملاً دارم و هر کمکی هم از دستم بریاید، انجام می‌دهم. مثلاً یک بازیگری بوده که ۴۳ سال در جمهوری اسلامی مجوز بازی نداشته. آمد پیش من. من به او مجوز دادم. از قضا خیلی جاها آمدند تخطئه کردند که اسماعیلی دارد به بازیگران خارج از کشور مجوز می‌دهد. گفتم چه اشکالی دارد؟ هیچ اشکالی ندارد. تئاترش هم ۱۰ روز است دارد راحت اجرا می‌شود. هر مورد دیگری مربوط به مسائل شخصی‌شان باشد، کارشان باشد، من خودم به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفم که از این ساحت‌شان حمایت کنم. هیچ هم برایم فرقی ندارد به من فحش دادند، به این مقوله به عنوان وظیفه اخلاقی کارم نگاه می‌کنم. اما آنجایی که مربوط به ساخت و حوزه کاری در وزارت است، من معتقدم ما باید مطابق با این نظام هنجاری که داریم و پذیرفته شده، با اینها صحبت کنیم. به نظرم خیلی

هنری روشنفکری که بالاخره وزیر طرف ما را می‌خواهد بگیرد یا طرف منتقدین را شما به هر حال باید موضعی بگیرید که با آن مواجه هستید بگویید. اقتضای کار ما همین است. مثلاً الان آمدم شورای ساخت را عوض کردم و آدم‌هایی گذاشتم که اعتقاد دارم اینها می‌توانند این کار را انجام دهند. البته همین الان این شورای نمایش ممکن است تصمیمی بگیرد که شمای جوان مومن انقلابی نپسندید. مصداق‌هایی بوده و این طبیعی است و من توقع عافیت ندارم در این پست. از وقتی این مسئولیت را قبول کردم، توقع ندارم جایی بنشینم که ضربه‌ای به من نخورد، این دندان را کندم و از خودم دور کردم. مطمئناً من قرار نیست یک روز بدون حاشیه داشته باشم و با این قضیه کنار آمدم. اطرافیانم خیلی دچار استرس و نگرانی و دلواپسی می‌شوند ولی من اصلاً نگران نیستم. به موضوع فکر می‌کنم ولی می‌دانم خلاف توقعم اتفاقی نیفتاده. به عنوان مثال درباره همین جنجالی که اشاره کردید این خانم که حرفهایش پخش شد خب من گفتم دامن نزدیک و آن خانم هم عذرخواهی کرد. داستان این بود که ایشان فیلمنامه‌نویس بود، در فیلمنامه‌اش معلوم نبود که یک بچه حاصل چه نوع ارتباطی است، فیلمش هم بر این اساس ساخته شده بود. ما الزام کردیم که باید یک دیالوگ اضافه کنید که این بچه حلال‌زاده است و آنها هم اضافه کردند. در پایان نمایش فیلم این خانم داشت با خبرنگاران محاجه می‌کرد که چه دلیلی دارد شما الزام کنید که من این را اضافه کنم. خب بچه حاصل عشق هم حلال‌زاده است. تهیه‌کننده هم بعدش آمد همین را اشکال گرفت که وزارت ارشاد ما را وادار کرده یک دیالوگ اضافه کنیم. من از این قصه دفاع می‌کنم. من مهر تأیید جمهوری اسلامی را پای فیلمی که خلاف ارکان اخلاقی جامعه باشد،

کار را دشوار کرده است. یک مقدار از این کاسته شدن هم به لحاظ سازمانی بوده مثلاً سازمان میراث جدا شد. وزارت فرهنگ و ارشاد به دلیل تفاوت دیدگاه‌های جدی‌ای که در مدیریت دولت قبلی با نگاه رهبری در حوزه فرهنگی داشت، عملاً به حاشیه و انزوا رفته بود. چطور به حاشیه و انزوا رفته بود؟ یعنی در تصمیم‌گیری‌ها سعی می‌کرد حضور نداشته باشد، یعنی یک وزیر خوب فرهنگ و ارشاد کسی بود که ایجاد دردسر نکند و در نظام این پذیرفته شده بود و فقط بتواند هزینه‌ها را کم کند. نگاه جریان مومن انقلابی هم این بود که یک وزیری باشد که کمتر ایجاد حاشیه بکند، نگاه جریان دولتی هم این بود که وزیر کسی باشد که مثلاً کلیات دولت را همراهی کند ولو اینکه مجبور باشد عقب بایستد و به دلیل تفاوت دیدگاه‌ها جلو نیاید و این یعنی افتادن از مرجعیت. ما با یک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روبرو بودیم در آغاز دولت جدید که یک بخشی از مرجعیتش را به خاطر تحولات تکنولوژیک از دست داده بود و یک بخشی را به دلیل رویکردها و ماهیت‌های دولت قبلی. حوزه کار ارشاد به هر حال حوزه متنوعی به لحاظ مخاطب هم هست یعنی شما ببینید فعال قرآنی و مداح و روحانی و امام جماعت با ما روبرو هستند تا بازیگران و جریان روشنفکری و اینها با تنوع دیدگاه‌هایی که به شدت هم با هم فاصله دارند.

همین موضوع تنوع دیدگاه‌ها سؤال بعدی من است. گاه این تنوع و این چندگانگی یا دوگانگی‌ها باعث می‌شود در عرصه حکمرانی وزارت و شخص وزیر و کسی که در مصدر مسئولیت است در تنگنا و منگنه قرار بگیرد، نمونه بارزش همین ماجرای اظهارات فیلمنامه نویسی که در جشنواره فجر باعث جنجال شد به نظر می‌رسید که شما تحت فشارید هم از جانب جریان حزب الهی و متدین‌وهم از طرف جریان

ارشاد طی هر چقدر جلو آمده، از آن کاسته شده. وزارت فرهنگ و ارشاد دهه ۶۰ هم به لحاظ سازمانی هم به لحاظ مرجعیت جایگاه مهمتری داشت. بخشی از دلایل اینکه کاسته شده، تحولات تکنولوژیک است. مثلاً الان VODها به وجود آمده، شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده، اینها همه ضربه زده به مرجعیت ارشاد



کسی است که به حوزه‌ای می‌رود که کمتر آشنایی دارد.

پس شما ساختار وزارت را می‌شناختید، ولی من به عنوان نمونه با یکی از نمایندگان مجلس که به تازگی وارد مجلس شده صحبت می‌کردم می‌گفت مجلس اصلاً آن طوری که فکر می‌کردم، نیست و خیلی ساختارش بوروکراتیک است.

خب ایشان حتماً تجربه مجلس نداشته است. من سابقه حضور در دولت را دارم. من یک دور معاون سیاسی امنیتی اصفهان بودم. مرکز بررسی‌های استراتژیک بودم. مثلاً همیشه من خودم می‌گویم یک حکمران خوب در دولت حتماً باید یک دور یک استان را اداره کرده باشد. مخصوصاً من در اصفهان که بودم در همه حوزه‌ها مسئولیت داشتم، معاون سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی. ۴ تا اداره کل داشت یک اداره کل فرهنگی داشت یک اداره کل داشت، سیاسی داشت، اتباع داشت و بعد جانشین استاندار، فلذا با مسائل مختلف و متنوع ساختار دولتی آشنایی عملی ملموس داشتم. من از دانشگاه نیامدم در این حوزه یا مثلاً از یک جای آکادمیک که کار کلخانه‌ای کرده باشم، چون درگیر بودم با کار اجرایی.

اگر بخواهید از ساختار فعلی ارشادی که الان شما میراث دارید هستید، انتقاد کنید، چه نکاتی را عنوان می‌کنید؟

ارشاد طی هر چقدر جلو آمده، از آن کاسته شده. وزارت فرهنگ و ارشاد دهه ۶۰ هم به لحاظ سازمانی هم به لحاظ مرجعیت جایگاه مهمتری داشت. بخشی از دلایل اینکه کاسته شده، تحولات تکنولوژیک است. مثلاً الان VODها به وجود آمده، شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده، اینها همه ضربه زده به مرجعیت ارشاد و چاره‌ای نیست. یک روزی روزنامه بود ما صبح شنبه می‌رفتیم تازه می‌فهمیدیم دو شب پیش ۱۸ تیر اتفاق افتاده ما که در تهران بودیم و فعال سیاسی بودیم، نمی‌دانستیم پنجشنبه شب در کوی دانشگاه چه اتفاقی افتاده. یک خبر اجمالی مثلاً خبر ۲۱ سیما می‌گفت. شنبه من صدا و سیما بودم دکه جلوی جام جم همه تقلا می‌کردند روزنامه بگیرند که ببینند چه خبر بوده. خب آن روزنامه را ارشاد مجوز می‌داد، نظارت می‌کرد، جهت‌دهی می‌کرد، حالا در شبکه اجتماعی در آن واحد هزاران خبر صحیح و ناصحیح به راحتی می‌چرخد یا مثلاً در بخش‌های نمایشی آن زمان تلویزیون ما هم وضعیت خوب بود ولی امروز دارد مرجعیتش را از دست می‌دهد. مردم همین الان هم به آن معنا اخبارشان را از تلویزیون نمی‌گیرند. ما اگر بخواهیم خیلی تأثیرگذار باشیم، می‌رویم در شبکه‌های اجتماعی آن کار را انجام می‌دهیم و این

